

استراتژی توسعه اقتصادی در ایران



دکتر محمد علی خطیب سمنانی^۱

درسالهای اخیرمسائل مربوط به رشد مستمر، فراگیر و درازمدت دردستورکارمسئولان وکارشناسان اقتصادی قرارگرفته است. شکست راهبردهای توسعه اقتصادی بر پایه الگوهای رشدگرا در دو برنامه عمرانی قبل از انقلاب اسلامی و عدم توفیق دستیابی به رشد پایدار و فراگیر توأم با کاهش شکاف درآمد بین گروههای مختلف درآمدی در برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (با توجه به هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد بازار) و نهایتاً پایین بودن بهره وری تولید، وجود رکود تورمی فرآیند بازسازی اقتصادکشور، راهبردهای توسعه اقتصادی را می طلبد که بر پایه مطالعه دقیق و تجزیه تحلیل عملکرد راهبردهای توسعه اقتصادی و استفاده از تجارب بازسازی اقتصادی کشورهای موفق که جهت گیری اتخاذ شده درجهت دستیابی به رشد اقتصادی مستمر، فراگیر و درازمدت می باشد. برای دستیابی به چنین راهبردهای توسعه اقتصادی می بایست به سؤالات زیر پاسخ گوئیم:

اقتصادی کشور می باشد. راهبردهای توسعه اقتصادی به منظور تجدید ساختار اقتصادی کشور بر پایه تلفیق سیاستهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات می باشد که این دو سیاست در هر مرحله از توسعه به صورت توأم مورد نظر قرار می گیرد. راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات نه تنها به عنوان دو راهبرد متضاد مطرح نبوده بلکه بعنوان دو راهبرد مکمل که براساس تغییر شرایط تولید و افزایش تولید با استفاده از منابع داخلی و خارجی و افزایش تقاضا در داخل و خارج استوار می گردد تا زمینه را جهت تهیه منابع انسانی و مالی با استفاده از مزیت‌های موجود کشور برای مصوبات پویا فراهم سازد.

در فازهای مختلف توسعه، این فرآیند قابلیت عملکرد خواهد داشت. طبیعی است انتخاب درست راهبردهای توسعه اقتصادی در هر مرحله از توسعه به مدیریت منابع امکان دستیابی به اهداف سیاستهای اقتصادی حاصل داده و شرایط برای مقابله با شوکهای درون زای و برون زای اقتصادی فراهم می گردد.

بنابراین بازسازی ساختار عرضه به مفهوم تخصیص منابع داخلی و خارجی از طریق انتخاب مناسب بخشهای تولیدی و تکنولوژی بر پایه مزیت‌های موجود و مزیت‌های ترجیحی که تحقق آن امکان پذیر می باشد و بازسازی تقاضا به معنی ایجاد زمینه برای جایگزینی واردات کالائی که تولیدات داخلی از مزیت برخوردار می باشد و می تواند جانشین مطلوب برای واردات باشد و همزمان شرایط برای صادرات با توجه به مزیت‌های موجود حاصل گردد.

۱) الگوهای توسعه اقتصادی کشور در سه دهه گذشته دارای چه مشخصاتی بوده، علل و عوامل عدم موفقیت این الگوها چگونه بوده است و تبلور این عدم موفقیت در متغیرهای اقتصادی مانند رشد اقتصادی و نرخ رشد اشتغال در مقام مقایسه با رشد جمعیت و رشد نرخ، رشد پس انداز و تشکیل سرمایه و سهم آنها در تولید ناخالص ملی، سهم واردات در کالاهای کارخانه ای، و سهم کالاهای کارخانه ای در صادرات چگونه بوده است؟

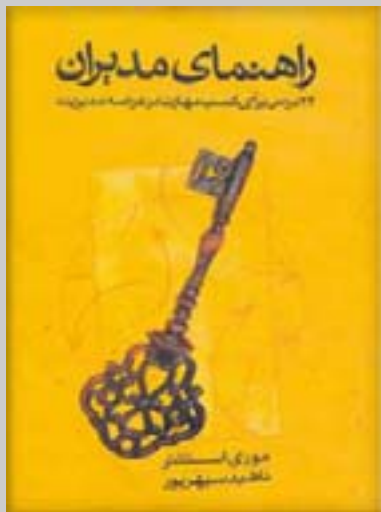
۲) فرآیند تحقیق و توسعه و چگونگی انتقال مدیریت تکنولوژی در راهبردهای توسعه اقتصادی سه دهه اخیر.

۳) مدیریت کلان اقتصادی کشور (ساختار بازار و بخش عمومی و مکانیزم تصمیم گیریهای سیاستهای اقتصادی، چگونگی تعیین اولویتها و سازمانهای تصمیم گیری درجهت ایجاد یکسری انگیزه در بخشهای تولیدی و چگونگی تخصیص و توزیع منابع تولید و اثرات آن بر تحولات تقاضا در داخل و خارج و نهایتاً جهت گیری روند تحولات و تغییرات درآمد در گروههای مختلف اجتماعی.

پاسخ به این سؤالات در واقع بیان راهبردهای توسعه

ادکتری اقتصاد (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

معرفی کتاب



راهنمای مدیران

۲۴ درس برای کسب مهارت در عرصه مدیریت

نویسنده: موری استنتز

مترجم: ناهید سپهر پور

ناشر: آوین

زبان کتاب: فارسی

تعداد صفحه: ۸۸

اندازه کتاب: رقعی

سال انتشار: ۱۳۸۸

دوره چاپ: ۱

کد کتاب: ۶۶۳۱۹

اکنون پاداش خود را دریافت کرده اید: گروهی از کارکنان که قرار است به آنها مدیریت کنید.

از حالا به بعد، موفقیت شما فقط در گرو توانایی های فنی و دانش تخصصی تان نخواهد بود.

بلکه تنها زمانی موفق خواهید شد که سایر افراد کارشان را به خوبی انجام دهند. مدیریت می تواند تجربه ای خوشایند باشد، تا زمانیکه آن را امری شفاف، بی دردسر و قابل پیش بینی تلقی نکنید.

شما می توانید به راحتی با انعطاف پذیری و دانایی و با رفتاری مهرآمیز توام با حسن نیت فضای خوبی برای همه ایجاد نمایید

تلفیق درونی و بیرونی عرضه و تقاضا از این نظر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که تجدید ساختار در تولید مستمر و پایدار درازمدت زمانی امکان پذیر است که شرایط جهت درون زا شدن منابع بیرونی یعنی سرمایه مالی تکنولوژی و دانش فنی در هر فاز فراهم گردیده و به موازات جانشین شدن واردات بوسیله این تولیدات شرایط برای تقاضای صادراتی در کشور فراهم گردد. ناکافی بودن تقاضا به علت کوچک بودن بازار با توجه به توان قدرت خرید در فازهای اول توسعه می بایست بوسیله تقاضای خارجی جبران گردد، تا درمقابل افزایش هزینه واردات درآمد حاصل از صادرات بتواند افزایش لازم را نشان دهد. با توجه به چنین درکی از راهبردهای توسعه اقتصادی یعنی ایجاد زمینه جهت فرآیند توسعه اقتصادی که در فازهای مختلف بتواند همزمان شرایط را جهت جانشینی واردات و صادرات و مصوبات لازم تواماً فراهم سازد.

با توجه به این مفروضات می توان از راهبردهای توسعه اقتصادی صحبت به میان آورد که شرایط برای اقتصاد بدون تکیه به نفت که عامل اصلی هدایت اقتصاد به سمت یک اقتصاد درون گرا می باشد فراهم گردد، که پیامد آن رشد اقتصادی ناپایدار و کوتاه مدت نمی باشد. زیرا در صورتیکه در فازهای مختلف بتوان واردات را با تولیدات داخلی جانشین نمود که از مزیت لازم برخوردارند و صادرات مواد خام و اولیه بوسیله صادرات کالا، که شرایط تولید برای کشور مزیت ایجاد می کند هم زمینه برای جانشینی واردات با توجه به مزیت فراهم شده و هم صادرات مواد خام و اولیه بوسیله کالاهای کارخانه ای جانشین گردیده است. بنابراین فرآیند بازسازی اقتصادی با توجه به این سیاستها نیاز به راهبرد اقتصاد باز با رشد درون زا دارد که در چشم انداز بیست و سه ساله توسعه اقتصادی کشور کاملاً مورد نظر قرار گرفته است.

منابع:

- (۱) خطیب سمنانی، محمدعلی (۱۳۷۳)؛ توسعه اقتصادی
- (۲) کیت گریفین (۱۳۷۵). استراتژی توسعه. (زاغفر)
- (۳) خطیب سمنانی، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ اقتصاد توسعه نیافتگی و نظرات توسعه اقتصادی